



3 آگست 2017

داکتر سید عبدالله کاظم

بررسی تحلیلی و تاریخی معاهده آب دریای هلمند بین افغانستان و ایران (بخش دوازدهم)

مبحث دهم

ارزیابی تحلیلی معاهده آب رود هلمند

فشرده رویداد های تاریخی در موضوع آب رود هلمند:

طی مباحث گذشته به تفصیل بیان شد که چگونه موضوع آب هلمند به حیث یک معضله سیاسی بین افغانستان و ایران مبدل به یک داستان دنباله دار گردید و در خم و پیچ یک قرن، چه نشیب و فرازهایی را پیمود. به منظور تداعی خاطر، بيمورد نخواهد بود که در این مبحث اخیر نگاه مختصر و اجمالی به جریان رویدادهای مهم در طول یک قرن انداخته شود تا در پرتو آن به سؤال هایی جواب گفته شود که در ذهن هر علاقمند این موضوع خطور میکند.

اگرچه جدال تاریخی و برخوردهای مسلحانه بین حکمای افغانی و ایرانی و دولتمردان دو کشور بر سر موضوع حق مالکیت سیستان سابقه طولانی داشت، ولی پیشرفت روسها بطرف جنوب در اواسط قرن 19 انگلیس ها را بیشتر از پیش متوجه اهمیت استراتژیک آن منطقه ساخت. وقتی در سال 1857 هرات از طرف ایران محاصره شد، انگلیس به بهانه دفاع از افغانستان بدون آنکه افغانستان از آنها درخواستی کرده باشد، تعدادی از عساکر خود را از راه بحر هند و خلیج فارس در جنوب ایران پیاده کرد. ایران فوراً دست از محاصره هرات کشید و با انگلیس در 4 مارچ 1857 در پاریس یک معاهده عقد کرد که مسمی به "معاهده پاریس" شد. در ماده ششم معاهده پاریس این متن را گنجاندند که در صورت بروز مشکلات بین ایران و افغانستان در مورد سیستان حق حکمیت به دولت انگلیس داده میشود و طرفین به نظر حکم احترام می گذارند و انرا قبول میکنند. بدینوسیله پای انگلیسها در قضیه سیستان باز شد و از آن طریق بر نفوذ خود در آن منطقه ستراتژیک افزودند.

انگلیس ها بعد از امضای معاهده پاریس ایران را تحریک به اعمال نفوذ در سیستان کردند و وقتی امیر دوست محمد خان و سپس امیر شیرعلی خان بنا بر ادعای تاریخی عزم لشکر کشی در سیستان را داشتند، جانب ایران از انگلیسها برطبق معاهده فوق در حل معضله و تثبیت حدود سرحدی بین دو کشور طلب کمک کرد. به همین اساس حکومت انگلیس جنرال گولد سمید را مؤظف این کار ساخت و موصوف با صلاحیت عام و تام حدود سرحد بین ایران و افغانستان را تعیین و علامه گذاری نمود. اما او در مورد تقسیم آب دریای هلمند فقط در پایان اعلامیه حکمیت خود چنین نوشت: «بعلاوه این نیز باید در نظر گرفته شود که هیچ نوع عملیات از هیچ طرف مبادرت نخواهد شد که در آب زراعت

د پانو شمیره: له 1 تر 7

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلېکنې د لېکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په څیر و لولئ

دو طرف رودخانه هیرمند دخل و تصرف شمرده شود.» با آنکه امیر شیرعلی خان با تقسم حدود سرحدی در اول موافقت نکرد، اما بعداً از طریق فشارهای غیرمستقیم انگلیسها مجبور به قبول حکمیت شد.

بعد ها در سال 1896م دریای هلمند در قسمت دلتا، جائیکه سرحد مشترک بین دو کشور را می ساخت، به دلیل سیلابهای شدید تغییر مسیر داد و قدری بطرف غرب پیچید. این تغییر مسیر مجدداً داعیه ارضی را بین دو کشور به وجود آورد. تا آنکه بار دیگر موضوع اختلاف کسب شدت کرد و حکمیت انگلیسها در قضیه مجدداً مطرح شد. این بار دولت انگلیس کلونل مکماهون را که قبلاً هم در تعیین سرحدات جنوبی افغانستان کار کرده بود، با این وظیفه گماشت و موافقت امیر حبیب الله خان سراج الملة را با فشار سیاسی کسب کرد.

مکماهون در سال 1902م با موجودیت عمله و فعله فراوان که از هندوستان به خود آورده بود، در سیستان بکار تحقیق آغاز کرد و به همراهی نمایندگان رسمی ایران و افغانستان نخست به حل معضله سرحد پرداخت و برطبق میل خود سرحد را به تاسی از نظر گولد سمید به محل قبل از تغییر مسیر دریا تعیین کرد و آنرا با نصب پیلرها علامه گذاری نمود. وظیفه دوم کلونل مکماهون تثبیت حقایق طرف ایران از آب دریای هلمند بود که پس از مطالعات همه جانبه از نظر مقدار ضرورت آب برای زراعت دوطرف و تعیین حقایق در ماه های مختلف سال و با رعایت عرف و سوابق تاریخی استفاده از آب آن دریا برای هر دوطرف، بالاخره نتیجه حکمیت خود را در سال 1905م در هشت فصل اعلام نمود.

برطبق ماده سوم این حکمیت: «ایران مستحق است بر یک ثلث مجموع رودخانه هلمند و این مقدار از نقطه محاسبه میگردد که از آن برداشت آب برای آبیاری زمین های هر دو کناره واقع بندکمال خان یا پایانتر از آن موقعیت دارد.»؛ ماده چهارم مشعر بود براینکه: «در احداث بناها یا انهار از جانب افغانستان برای گردانیدن آب، برای زمین های سیستان، چنانچه در فوق مشروح شد، باید ملاحظه این امر بشود که اقلای یک ثلث جمیع آب رودخانه هلمند برای استعمال ایران به بند کهک برسد.»؛ ماده متنازع فیه این حکمیت در مورد حق بازرسی یک افسر انگلیسی وارد در امور آب بود که برای کنترل و تطبیق مواد مندرج حکمیت هر وقت میخواست در ساحات مربوطه میتواندست به گشت و گذار آزاد بپردازد. موجودیت این ماده موجب شد تا امیر حبیب الله خان که اصلاً با همچو حکمیت موافق نبود، آنرا بهانه قرار داده به دلیل نقض حق حاکمیت افغانستان از قبول حکمیت بطور کل طفره برد و آنرا رد کند. ایران نیز به بهانه اینکه حکمیت عادلانه نیست، آنرا رد کرد. بدین ترتیب بار دیگر موضوع تقسیم آب دریای هلمند بین دو کشور از نظر قانونی معلق ماند.

از آن به بعد به دلایل مختلف معضله تقسیم آب دریای هلمند بین دو کشور تا سه دهه دیگر در حالت خاموشی و یا اغماض قرار گرفت. امیر حبیب الله خان سراج الملة با تمدید توافقات پدر خود با انگلیسها در سال 1905م و نیز به دلیل تغییری که ناشی از توافق انگلیس و روس در 1907 صورت گرفت و روسها تعهد کردند که افغانستان را خارج از ساحه نفوذ خود بشناسند، در مورد آب هلمند محض جلب رضایت انگلیس خاموشی اختیار کرد.

در زمان اعلیحضرت شاه امان الله غازی پس از اعلام استقلال کشور روابط دوستانه با ایران آغاز شد که منجر به امضای معاهده دوستی بین دولتین گردید. در فصل دهم آن معاهده بطور غیرمستقیم به مشکلات مربوط به حدود سرحدی و آب اشاره گردید که اگر همچو مسائل در اثر مذاکرات حسن نیت

جانبن حل نگرده، مطابق به مقررات و عدالت بين المللی به حکمیت رجوع میشود. این معاهده پس از تغییر نظام در ایران با رویکار آمدن رضا شاه کبیر در 1926م تمدید شد. اما پس از سقوط دوره امانی و برپا شدن غائله سقوی و نیز رویکار آمدن اعلیحضرت محمد نادرشاه باز هم موضوع آب در حالت خاموشی بین طرفین قرار گرفت. تا آنکه در سال 1315 ش (1936م) خشک سالی و کمبود آب در دریای هلمند موضوع را دوباره مطرح بحث ساخت.

در سال 1316 (1937م) هیئت های دو کشور در کابل موافقه کردند تا: «مقدار اب دریای هلمند را که به بندر کمال خان میرسد، از آنجا تا بند "لخشک" بالمناصفه بین رعایای چخانسور افغانی و رعایای سیستان ایرانی تقسیم نمایند و هریک از طرفین حق دارند که سهم خود را در خاک خود در هر جا که مورد احتیاج باشد، ببرند.» این قرارداد بین دولتین بتاریخ 8 دلو 1317 (27 جنوری 1939م) در ماده 16 ماده با ایزاد یک اعلامیه به امضاء رسید، ولی شورای ملی افغانستان آنرا رد کرد که در نتیجه قرارداد مذکور از اعتبار حقوقی ساقط گردید. بعدها حکومت ایران کوشید تا موضوع را به شورای امنیت ملل متحد راجع سازد، ولی نتیجه نداد. از آن به بعد ایرانی در آنطرف مصب رودخانه شروع به اعمار بندهای آبگردان کردند و نیز بر اعمار بندهای کجکی و ارغنداب در افغانستان انتقاد داشتند که این نوع پروژه ها موجب قلت و کمبود آب دریا هلمند در مصب رودخانه شده و مقدار آب لازم به ساحه سیستان ایران نمیرسد.

همان بود هر دو کشور به این توافق کردند که موضوع را به حکمیت یک مرجع ثالث بیطرف بگذارند. حکومت ایالات متحده امریکا حاضر شد در این مورد داخل اقدام شود و با تعیین یک انجیر محقق امریکائی از سه متخصص آبیاری (هریک از شهروندان چیلی، امریکا و کانادا) به موافقه هر دو جانب ایران و افغانستان دعوت کرد تا در حل موضوع به تحقیق بپردازند. هیئت مذکور که در اسناد رسمی بنام "کمسیون بیطرف" شهرت دارد، کار تحقیقاتی خود را در ماه اکتوبر 1950 (قوس 1329) در وادی سفلی هلمند آغاز کرد و راپور مفصل و همه جانبه خویشرا در داخل 12 فصل و جمعاً 221 فقره در فبروری 1951م (حوت 1330ش) تکمیل و به مقامات هر دو کشور سپرد. (متن مکمل این راپور در کتاب سرگذشت سیستان و رود هلمند...، تألیف کاندید اکادمیسین اعظم سیستانی، چاپ دوم، منتشره افغان جرمن آنلاین، صفحه 30 تا 37 قابل دریافت است)

در راپور کمسیون بیطرف نکاتی تذکر یافته بود که بیشتر به حقانیت ادعاهای جانب افغانی مهر تائید می گذاشت تا به خواسته های جانب ایرانی، از جمله: فقره 192 مبنی بر اینکه مقدار آبیکه به دلتا در صورت نورمال رسیده، همیشه از مقداریکه ضرورت بود و یا از آن استفاده صحیح شده بتواند، به مراتب زیادتیر بوده است و همچنان فقره 193 که مشعر بود از اینکه انکشاف پروژه های فعلی در قسمت علیای هلمند مقدار آب را در دلتا از اندازه عادی آن کمتر نساخته است و یا فقره 194 مبنی بر اینکه پروژه ها در قسمت علیای دلتا، آبهای سیلابی را تقلیل خواهد داد و نیز صراحت در فقره 198 که ضرورت فعلیه مقدار آب را برای سیستان به 556 هزار ایکرفت که معادل جریان ماهوار آب به اندازه 22 متر مکعب فی ثانیه میشود، تخمین کرده بود که جانب ایرانی با آن مقدارحقابه از رود هلمند رضائیت نداشت، اما حکومت افغانستان حمایت خود را از حکمیت کمسیون بیطرف و اینکه راپور بر مبنای واقعیت های عینی و تاریخی بطور دقیق و مسلکی تهیه شده است، رسماً اعلام کرد.

عدم رضائیت جانب ایرانی موجب شد تا معضله راه حل پیدا نکند و مذاکرات با وقفه های نسبتاً طولانی یکی پی دیگر و تبادلله یادداشتها بین دو حکومت در سالهای 1336 و 1337ش (1957 و

1958م) به نتیجه نرسند. لذا طرفین برای حل معضله راه دیگری را در پیش گرفتند و سعی نمودند تا با اعزام نمایندگان خاص و فوق العاده به ادامه مذاکرات بپردازند. به این اساس شاهنشاه ایران نماینده خاص و فوق العاده خود عبدالحسین مسعود انصاری را تعیین کرد و پادشاه افغانستان انجنیر محمد کبیر لودین را به حیث نماینده فوق العاده و خاص خود برای حل معضله آب دریای هلمند توظیف نمود. در تابستان 1336 عبدالحسین مسعود انصاری برای یک سفر دوستانه به کابل آمد و پیام حسن نیت شاهنشاه ایران را مبنی بر جستجوی راه حل معضل آب هلمند به دربار کابل رسانید. پادشاه افغانستان بالمقابل انجنیر لودین را با پیام مشخص و به حیث "آخرین قدم" به تهران اعزام نمود. انجنیر لودین بتاريخ 7 دلو 1337 (جنوری 1959م) در کاخ مرمر تهران به حضور شاهنشاه ایران باریاب شد و پیام دست داشته خود را به سمع ایشان رسانید.

لودین در ادامه بیانات خود بحضور شاهنشاه ایران گفت که: «اعلیحضرت همایونی پادشاه افغانستان بنده را مأمور فرموده اند که بعرض اعلیحضرت شما برسانم که به حیث قدم آخری، ایشان توجه خواهند فرمود که حکومت اعلیحضرت شان پیمانی را با دولت ایران با افزایش یکصد هزار ایکرفت دیگر که معادل 4 متر مکعب در ثانیه جریان آب اضافه تر یعنی طور وسط 26 مترمکعب جریان آب در ثانیه شود، ببندند، البته این مقدار برای سالهای وسطی خواهد بود و در سالهای قلت آب به پیمانۀ که از وسط ماحصل رودخانه تقلیل رخ میدهد، به همان پیمانۀ یا فیصدی میزان سهمیه سیستان ایران نیز تقلیل خواهد پذیرفت و اگر احیاناً در سالهای آینده آب بیشتری به سیستان ایران برسد، اهالی و زارعین سیستان چنین آب بیشتر را با استعمال سوئمند آبیاری بکار برند و زراعت خود را توسعه دهند، مقدار آب اضافی به هیچوجه حق ایران شناخته نخواهد شد و به آب اضافه بر آنچه ایران بموجب معاهده مستحق میشود، حقی نخواهد داشت.» انجنیر لودین خاطر نشان ساخت که: «این پیشنهاد از حضور اعلیحضرت همایونی پادشاه افغانستان فقط و فقط بحضور اعلیحضرت شما است، اگر احیاناً منظور اعلیحضرت شما نشود، حکومت افغانستان به حکومت ایران هیچ قبولی نداده و اظهار نظری نکرده است و موقف حکومتین کمافی السابق بجای خود شان باقی میماند.» او در پایان عرایض خود علاوه کرد که: اگر اولیای حکومت ایران راضی به پذیرفتن مقدار وسطی 26 متر مکعب جریان آب در ثانیه نباشند، وانگهی افغانستان برطبق نظر ایران با انتخاب راه ثالث بین المللی و ارجاع قضیه به محکمه بین المللی حاضر خواهد بود. اما شاه ایران رجوع به محکمه بین المللی را بیمورد دانست و گفت که: اگر احتیاجی به اینکار پیدا شود، جای تأسف خواهد بود.

به این ترتیب اعزام نمایندگان خاص نیز مثمرحال در رفع معضله واقع نشد و حکومت افغانستان در دوره صدارت شهید محمد داؤد بر موقف قبلی خود یعنی 22 متر مکعب فی ثانیه آب برای ایران برطبق نظر کمسیون بطرف استوار مانده و حاضر نبود بیشتر از مقدار متذکره را برای آبیاری سیستان موافقه نماید و مسافرت های صدراعظمان هردو کشور در سالهای 1338 و 1339 به کشورهای یکدیگر و عقد بعضی قراردادها، تغییری در موقف آنها در بارۀ تقسیم آب هلمند را بار نیاورد و قضیه تا بعد از تحولات مهم یعنی استعفی محمد داؤد از صدارت و رسیدن داکتر محمد یوسف به آن مقام به حال خود باقیماند.

تا آنکه عباس آرام وزیر خارجه ایران بتاريخ 29 سرطان 1344 (ماه جون 1965م) نامه ای عنوانی داکتر محمد یوسف صدراعظم و وزیر خارجه افغانستان به این عبارت نوشت: «اینجانب افتخار دارم به استحضار جنابعالی برسانم که مقامات شاهنشاهی آماده هستند با حسن نیت کامل و میل عمیق بحل

این مسئله که ده ها سال است به مناسبات ایران و افغانستان سایه افکنده است، مذاکرات را به اساس 28 متر مکعب و توزیع آب در ماه ها با توجه به اوضاع و احوال و حق و عدالت و نیازمندی ایران در محیط دوستی و صفا آغاز نمایند. بسیار خرسند میشدم اگر آمادگی دولت پادشاهی افغانستان را برای شروع این مذاکرات اعلام فرمائید...»

داکتر محمد یوسف بجواب نامه فوق نوشت که: «موقف دولت پادشاهی افغانستان متکی بر راپور کمسیون بیطرف میباشد که مندرجات آن بر تحقیقات اساسی علمی و فنی و حقایق تاریخی و به روی عدالت و بیطرفی بنا یافته است. بنابراین به استحضار جنابعالی میرسانم که دولت پادشاهی افغانستان در مورد اساس مذاکرات با آنچه جنابعالی در نامه خویش استدلال مرقوم فرموده اید، موافقت ندارد... دولت پادشاهی افغانستان آماده است مذاکره را به اساس فوق و به سلسله مذاکرات سابقه به هر وقتی که مورد موافقت دولت شاهنشاهی باشد، در محیط حسن نیت دوستی و تفاهم آغاز نماید...»

پس از انقطاع مذاکرات در سال 1344 نحوه مذاکرات تغییر کرد و جای تبادل نامه های رسمی را تماسهای آزاد و مستقیم گرفت. از 1347 تا 1351 هردو حکومت به وقفه ها در موضوع ترتیب مسوده های معاهده به تبادل نظر پرداختند که اساس آنها همان نظر انجنیرمحمد کبیر لودین نماینده فوق العاده اعلیحضرت پادشاه افغانستان که در سال 1337 تقدیم گردیده و جریان آب به اساس راپور کمسیون بیطرف 1329 بیان کرده بود، تشکیل میداد. در اثر این تماسها طرفین برای تقرر کمیسیون های آب از هردو جانب موافقه کردند و پروتوکل برای تعیین وظایف و صلاحیت های آنها تهیه شد و نیز یک مسوده دیگر راجع به پروتوکل جهت رفع اختلاف نظرها در مورد تفسیر مراتب مندرجه معاهده اصلی تهیه و ترتیب گردید.

در همین موقع امیرعباس هویدا نخست وزیر ایران بنا به دعوت نوراحمد اعتمادی صدراعظم افغانستان به کابل آمد و مذاکرات بین آنها با حضورمهندس روحانی وزیر آب و برق ایران و میر محمد اکبر رضا وزیر زراعت و آبیاری افغانستان در کابل آغاز شد، اما بازهم این مذاکرات به دلیل اختلاف نظر جانبین در موضوع تقسیم آب در سالهای خشکی، بخصوص در ماه های آگست، سپتمبر و اکتوبر که آب در مصب دریا کم میشود و همچنان در ارتباط با سالهای بالاتر از نورمال یعنی وفرت بیشتر آب به نتیجه نرسید.

پس از برگشت نخست وزیر ایران از کابل به تهران باردیگر تماسهای دیپلماتیک توسط سفارتهای هردو کشور به راه افتاد. ایران به این نظر آمد که موضوع سیلابها را از اجندای مباحثات بیرون کند و بجای آن خرید آب را از افغانستان مطرح سازد. در سال 1348 اسدالله علم وزیر دربار ایران به کابل مسافرت کرد و انصراف حکومت خود را در اصرار بر موضوع سیلاب ها ابلاغ کرد و بجای آن بطور شفاهی از خریداری آب از دریای هلمند اضافه از حقایق یادآوری نمود و ضمناً مسوده یک قرارداد را در این مورد به حکومت افغانستان مشتمل بر شش ماده پیش کرد.

نوراحمد اعتمادی صدراعظم افغانستان درارتباط با این پیشنهاد جانب ایران بطور شفاهی به جواب پرداخت و گفت که: هنوزاصل معاهده درباره آب هلمند بین دو دولت امضاء نشده، وقتیکه حقایق ایران مطابق معاهده براساس جدول راپور کمسیون بیطرف و حسن نیت تعیین گردد، موضوع خرید آب اضافی را میتوان مطرح ساخت. موصوف اضافه نمود که: چنین قرارداد تجارتي نباید به هیچوجه ملحق یا مربوط به معاهده اصلی و ضمایم آن باشد، زیرا آنها دو موضوع از هم مجزا بوده و در صورت ارائه آن یکجا باهم، احتمال دارد شورای ملی افغانستان آنها رد کند که اینکار مانع عمده را

د پانو شمیره: له 5 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولی

در تائید معاهده اصلی در شورا بار خواهد آورد. با آنهم جانب ایرانی اصرار داشت که قرارداد خرید آب اضافی باید جزء معاهده اصلی پنداشته شود. بنابراین موضوع پیشنهاد خرید آب معلق ماند و اما با وجود التوای آن به آینده، تماس های دیپلماتیک بین مقامهای دو کشور کما فی السابق ادامه یافت که در نتیجه منجر به تعیین هیئتهای با صلاحیت برای بحث در مورد رسیدن بیک تفاهم در باره معاهده اصلی از دوطرف گردید. مجلس وزراء در عین زمان روی موقف افغانستان در موضوع مذاکرات بین هیئتهای ایران و افغان موقف حکومت افغانستان را در این مذاکرات بحث و تثبیت نمود و در اختیار هیئت افغانی قرار داد تا بر حسب آن مذاکرات را پیش ببرند.

مذاکره بین هیئت های دو کشور از تاریخ 7 سنبله 1351 ش (28 اگست 1972م) آغاز و مدت 20 روز را در بر گرفت و بتاريخ 27 سنبله نتایج مذاکرات طی یک اعلامیه از طرف حکومت به نشر رسید. در طی این دیدار قرار شد تا امیرعباس هویدا نخست وزیر ایران در راس یک هیئت بنا به دعوت موسی شفیق صدراعظم افغانستان به تاریخ 11 حوت 1351 به کابل آید و هیئت های دوطرف معاهده مربوط به موضوع آب رود هلمند را آماده برای امضاء سازند. در یک قسمت اعلامیه چنین آمده بود که: « صدراعظم افغانستان و صدراعظم ایران در حالیکه هیئت های هر دو طرف حاضر بودند، در موضوع آب هلمند مذاکرات نهائی بعمل آوردند. بعد از توافق کامل هر دو صدراعظم بتاريخ 22 حوت 1351 معاهده ای در این موضوع توأم با دو پروتوکول امضاء و منعقد کردند. این اسناد پس از طی مراحل قانونی در هر دو کشور معتبر و نافذ خواهد بود. این مذاکرات در محیط بسیار دوستانه که مظهر پیوند های برادری پایدار بین هر دو کشور میباشد، صورت گرفت.»

بعد از امضای معاهده محمد موسی شفیق که رابطه نزدیک را با وکلای شورا برقرار کرده بود، متن معاهده و دو ضمیمه آنرا بر طبق حکم قانون اساسی کشور به شورای ملی فرستاد. شورای ملی بتاريخ 9 جوزای 1352 (30 می 1973م) آنرا تصدیق و تائید کرد. سپس بتاريخ 13 جوزا 1352 (3 جون 1973) به توشیح پادشاه افغانستان اعلیحضرت محمد ظاهر شاه رسید. طی همین مدت شورای ملی ایران نیز آنرا تصدیق و اعلیحضرت شاه ایران هم آنرا توشیح کرد. در نظر بود به زودی اسناد مصدقه بین دو دولت تبادل شوند و معاهده از نظر حقوقی اعتبار نهائی پیدا کند، اما با کودتای 26 سرطان 1352 به زعامت محمد داؤد نظام سلطنتی سقوط کرد و مرحله نهائی معاهده یعنی تبادل اسناد انجام نیافت.

در ماه سنبله 1352 سفارت ایران در کابل از وزارت امور خارجه افغانستان در باره سرنوشت معاهده پرسید، ولی جواب فوری دریافت نکرد. تا آنکه بعداً بتاريخ 4 جوزای 1356 (24 می 1977) رئیس جمهور محمد داؤد به اجرای مندرجات معاهده با دو ضمیمه آن حکم داد و به زلمی محمود غازی سفیر افغانستان در تهران تفویض صلاحیت کرد تا اسناد مصدقه را باعباس خلعتبری وزیر خارجه ایران تبادل نماید. بدین ترتیب معاهده آب رود هلمند بین دو کشور پس از نشیب و فرازهای زیاد در طول یک قرن بالاخره به مرحله نهائی رسید و اعتبار حقوقی کسب نمود.

در بخش بعدی این سلسله در نظر است به سوالهای ذیل جواب گفته شود:

1 - چرا نوراحمد اعتمادی نتوانست و یا نخواست معاهده را امضاء کند، در حالیکه هر دو طرف در موارد کلی (البته به استثنای بعضی موارد کوچک) به تفاهم رسیده بودند؟

2 - رمز موفقیت محمد موسی شفیق در جلب موافقت شورا برای تائید معاهده چه بود؟

- 3 - عوامل و انگیزه ها در راه اندازی مظاهرات و مخالفت ها در ارتباط با امضای معاهده آب دریای هلمند بین دو کشور چه بود و اساساً از کجا الهام و سرچشمه میگرفت؟
- 4 - اگر معاهده در آنوقت امضاء نمیشد، چه عواقبی را در آینده برای کشور بار می آورد؟
- 5 - چرا رئیس جمهور محمد داؤد اکمال طی مراحل نهائی معاهده را برای چند سال به تعویق انداخت؟ آیا او مخالف عقد این معاهده بود؟
- 6 - چه کسانی در حل این معضله و رسیدن به تفاهم تلاشهای پیگیر کردند؟
- 7- چرا از آنوقت تا حال افغانستان نتوانست مواد مندرج معاهده را کاملاً تطبیق و مورد اجراء قرار دهد؟
- 8 - آیا موضوع آب در پهلوی دیگر عوامل میتواند بوسیله دشمنان افغانستان موجب بی ثباتی در کشور گردد؟
- 9 - آب از نظر اقتصادی در قرن 21 حائز آن اهمیت و ارزش است که تیل در قرن 20 داشت. آبهای افغانستان را نباید به هدر داد!!

(ادامه دارد)

د پانو شمیره: له 7 تر 7

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ